

شرایط و موانع شهادت در پرونده‌های کیفری

برای شهادت دادن در دادگاه شرایطی نیاز است و این شرایط در دعاوی مختلف یکسان است. به عبارتی هر شهادتی، شهادت معتبر در پرونده‌ها محسوب نمی‌شود.



برای شهادت دادن در دادگاه شرایطی نیاز است و این شرایط در دعاوی مختلف یکسان است. به عبارتی هر شهادتی، شهادت معتبر در پرونده‌ها محسوب نمی‌شود.

به گزارش «تابناک» طرح هر دعوی بی‌اثر است. اعم از دعاوی مدنی یا دعاوی کیفری. در محاکم دادگستری، مستلزم اثبات آن است. به همین جهت به طور معمول در قوانین شکلی مانند آیین دادرسی یا بعضاً قوانین ماهوی مانند قانون مجازات اسلامی، به بحث‌های پیرامون «ادله اثبات دعوا» پرداخته شده است و انواع این دلایل و تمامی احکام و مقررات راجع به آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات دعوا شهادت یا به اصطلاح «شهادت شهود» یا «گواهی گواهان» است. غالباً در رسیدگی به دعوا و دلایل آن و بعد از صدور حکم، قاضی دچار یک نگرانی است و احتمال می‌دهد که در نتیجه انجام تکالیف از جانب او، حقی پنهان مانده باشد؛ ولی در حکمی که مستند آن «شهادت شهود» یا «اقرار مرتکب» باشد، گویا اصحاب دعوا و قاضی متفقاً به یک نقطه رسیده‌اند. به همین دلیل «شهادت» و «اقرار» از آغاز تمدن بشر نزد همه ملت‌ها و جوامع از جمله جوامع اسلامی مورد توجه بوده‌اند.

تعریف شهادت

به موجب ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است.» همچنین مطابق ماده ۱۵۷ قانون فوق‌الذکر «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است، اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.» البته بر اساس ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی «در صورتی که شاهد واجد شرایط شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.»

شرایط شاهد شرعی

طبق ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. بلوغ
۲. عقل
۳. عدالت
۴. طهارت مولد (مشروع بودن نسب)
۵. ذی نفع نبودن در موضوع
۶. نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آن‌ها
۷. عدم اشتغال به تکدی
۸. ولگرد نبودن

نکته قابل ذکر آنست که «شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود.» (تبصره ۱ ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی)

ذیلاً هر یک از این شروط هشت گانه توضیح داده می‌شوند.

الف. ... بلوغ

شرط بلوغ به این معناست که شاهد شرعی باید «بالغ» باشد. از دیدگاه فقهی و حقوقی، وقتی در قانون تصریح می شود که شاهد شرعی باید بالغ باشد، منظور این است که شاهد شرعی نباید «صغیر» باشد. «صغیر» که اصطلاحاً «طفل» یا «کودک» نیز نامیده می شود، فردی است که سن او به سن بلوغ نرسیده است. به موجب ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.»

به این ترتیب، وضعیت «صغیر» یا «طفولیت» (کودکی) جزو موانع شهادت شرعی محسوب می شود. البته بر اساس ماده ۱۷۸ قانون مذکور، هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت، غیر بالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است.

باید دانست که از دیدگاه فقهی و حقوقی، «غیر بالغ» (صغیر) به دو نوع «غیرممیز» و «ممیز» تقسیم می گردد. بر اساس روایت های موجود از حضرت معصومان (ع)، سن تمیز یا سن تشخیص برای افراد غیر بالغ، ۶ یا ۷ سالگی است.

ب. - عقل

شرط عقل به این معناست که شاهد شرعی باید «عاقل» باشد. از دیدگاه فقهی و حقوقی، وقتی در قانون تصریح می شود که شاهد شرعی باید عاقل باشد، منظور این است که شاهد شرعی نباید «مجنون» باشد. مجنون (دیوانه) کسی است که دچار «جنون» باشد. جنون در لغت به معنی پوشیده گشتن و پنهان شدن است؛ اما در اصطلاح، کسی را که بر اثر آشفتگی روحی - روانی عقلش پوشیده مانده و قوه درک و شعورش را از دست داده است، مجنون می نامند. در واژگان فقهی، جنون و عقل در مقابل هم به کار رفته اند. «عقل» مهم ترین رکن مسئولیت است و در فرهنگ لغات در معانی مختلفی از جمله فهمیدن، دریافت کردن، هوش، شعور ذاتی و خرد آمده است؛ بنابراین، جنون باید به نافی، کم هوشی و نابخردی معنی شود. البته هر یک از این حالت ها در علم روان پزشکی امروز مفهوم خاصی دارند. ولی جنون به معنی مصطلح کلمه عبارت است از افول تدریجی و برگشت ناپذیر حیات روانی انسان. به بیان دیگر، جنون یعنی افول تدریجی و برگشت ناپذیر توانایی درک، احساس و اختیار.

ت. - عدالت

از دیدگاه فقهی، عادل کسی است که گناه کبیره نکرده و بر گناه صغیره نیز اصرار نداشته باشد و رفتار خلاف شأن هم انجام ندهد.

ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی «عادل» را تعریف کرده است. به موجب این ماده «عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی شود.»

ث. - طهارت مولد

شرط طهارت مولد به این معناست که تولد شاهد باید حاصل یک رابطه مشروع بین پدر و مادر او باشد. به عبارت دیگر، فردی که به عنوان شاهد شرعی محسوب می گردد باید ولد مشروع باشد؛ بنابراین فردی که ولد نامشروع محسوب شود، شاهد شرعی به حساب نمی آید. البته در جامعه اسلامی فرض بر این است که بر اساس «اصل صحت»، هر مسلمانی دارای «طهارت مولد» هست، مگر این که خلاف آن با دلیل شرعی اثبات گردد.

ج. - ذی نفع نبودن در موضوع

ذی نفع نبودن در موضوع دعوا به این معناست که شاهد شرعی در موضوع دعوا نفعی و اثباتاً نفعی داشته باشد؛ زیرا به هر حال، انتفاع شاهد در موضوع دعوا ممکن است باعث شود که شاهد از حالت بی طرفی و انصاف خارج شده و مغرضانه شهادت دهد. البته «رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.» (تبصره ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴)

چ. - نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آن ها

شرط نداشتن خصومت با طرفین دعوا یا یکی از آن ها برای شاهد شرعی، در کتب فق های شیعه با عنوان «فقدان عداوت دنیوی» (نداشتن دشمنی دنیوی) بیان شده است. البته «در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می شود.» (تبصره ۲ ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی)

ح - عدم اشتغال به تکدی

اشتغال به تکدی در زبان عامه مردم، «گدایی کردن» نامیده می شود. در حال حاضر مطابق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم «تعزیرات و مجازات بازدارنده») مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ «تکدی گری» مجازات یک ماه تا سه ماه حبس را داراست. به موجب ماده فوق الذکر «هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور، همه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است، مصادره خواهد شد.» همچنین بر اساس ماده ۷۱۳ این قانون «هر کس طفل صغیر یا غیررشدیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد.»

خ. - ولگرد نبودن

تبصره ۲ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ «ولگرد» را تعریف کرده است که مطابق آن «ولگرد کسی است که مسکن و مأواک مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.»

ولگردی وضع کسی است که اقامتگاه، کار و وسیله زندگی معلوم و معینی ندارد. به عبارت دیگر، حالت ولگردی با نداشتن وسیله معاش معلوم و مکان سکونت ثابت مشخص می شود. مطابق ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی سابق «کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی قیدی و تنبلی در صدد تهیه کار برای خود برنمی آیند، ولگرد محسوب می شوند. ولگردی خلاف و مشمول مجازات است.»، اما در حال حاضر مطابق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم «تعزیرات و مجازات های بازدارنده») مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ «ولگردی» کیفر یک ماه تا سه ماه حبس را داراست؛ گویا تورم در مجازات ولگردی نیز اثر گذاشته و کیفر آن را افزایش داده است. به موجب ماده فوق الذکر «هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور، کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است، مصادره خواهد شد.»